

تبیین پیوستگی آیات سوره سبأ براساس روش نیل رابینسون

روح‌الله محمد علی نژاد عمران*

چکیده

پیوستگی آیات در سوره‌های قرآن از دیرباز مورد توجه قرآن‌پژوهان و دانشمندان علوم قرآنی بوده است. از آنجا که در نگاه نخست، ارتباط و پیوستگی میان الفاظ و عبارات قرآن خیلی روشن نبوده و ممکن است پیام قابل درکی از آن دریافت نشود لذا برخی قرآن را علاوه بر نداشتن وحدت موضوعی، از ارتباط ساختاری نیز برخوردار نمی‌دانند. مقاله پیش رو، سوره سبأ را از این دیدگاه مطالعه موردی قرار داده و بر اساس مدل ارتباطی نیل رابینسون (Neal Robinson)، که بر پایه تکرار شدن الفاظ استوار است، به تحلیل امکان پیوستگی آیات این سوره پرداخته است. با تعیین بخش‌های سوره، بررسی ارتباط میان بخش‌های متوالی با کمک واژه‌های قلاب‌دار و در نهایت ارائه مدل تقارن (آینه‌ای)، مشخص شد که اگر تنها بخش‌های پنج‌گانه مورد بررسی قرار گیرد صرفاً رابطه تقارن بین بخش اول و پنجم در سوره نمایان خواهد بود ولی چنانچه بخش‌ها بر اساس ارتباط معنایی به چند زیربخش تقسیم شوند، در این صورت نظم معکوس بین زیربخش‌های سوره خود را نشان خواهد داد. همچنین زیر بخش اول از بخش اول و زیر بخش آخر از بخش آخر یعنی آیات ابتدایی و انتهایی سوره نیز به عنوان تابلوی افتتاح و اختتام سوره هستند. الگوی نظم معکوس بین زیربخش‌ها در این سوره عبارتست از:

A2 , B1 , B2 , B3 , C1 C'1 , B'2 , B'1 , A'2

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، alinejad@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵

ارتباط بخش‌های سوره سبأ و پیوستگی آیات این سوره نشان می‌دهد که سوره کاملاً از پیوستگی ساختاری برخوردار است و از رابطه نظم معکوس در سوره سبأ می‌توان رابطه ولایت با معاد را مشخص نمود.

کلیدواژه‌ها: سوره سبأ، پیوستگی آیات، تقارن مرکب، نظم معکوس آینه‌ای، رابینسون.

۱. مقدمه

تناسب از ماده «نسبت» و از باب تفاعل و به معنای متشاکل و نزدیک هم بودن است. و در مورد آیات قرآن کریم، همان ارتباط بین آیات است، اعم از اینکه دو آیه مربوط بهم، از نظر نسب اربعه، عام و خاص باشند، یا عقلی و یا حسی و یا خیالی و یا انواع دیگر علاقه‌ها. و یا تلازم ذهنی مانند: سبب و مسبب، علت و معلول، شرط و جزاء، و یا دو نظیر و دو معادل و یا دو ضدّ و یا دو نقیض و امثال آن (معرفت، ۱۳۸۶ش: ص ۱۰).

نخستین کسی که در عرصه علم تناسب آیات، نوشته مرتب و مستقل ارائه داشته، ظاهراً ابوبکر نیشابوری بوده است. وی در بسیاری از علوم و معارف اسلامی صاحب نظر بوده و پیوسته هنگام تدریس، از روابط آیه‌ها سخن می‌گفت و حکمت ترتیب آن را بیان می‌داشت و بر دانشمندان بغداد به علت عدم توجه به این موضوع، ایراد می‌گرفت (معرفت، ۱۳۸۶ش: ص ۱۲-۱۳). سیوطی می‌گوید: «اولین کسی که در این مورد، کتاب مستقلى تدوین نموده «ابوجعفر بن زبیر» استاد «ابوحیان توحیدی» بود، که کتاب خود را به نام «البرهان فی مناسبه ترتیب سور القرآن» نامید. و پس از او نیز «برهان الدین بقاعی» کتاب خویش را به نام «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» تألیف کرد و بالأخره از سومین کتابی که نام می‌برد، کتاب «اسرار نزول الآیات» است که می‌گوید: خودم آن را تألیف کرده‌ام که علاوه بر اسرار نزول، تناسب آیات را نیز در آن، مورد بحث قرار داده‌ام. و سپس آن را به نام «تناسق الدرر فی تناسب السور» تلخیص نموده‌ام (سیوطی، ۱۴۰۳).

باید توجه داشت که نظم و تناسب و پیوستگی با هم در ارتباط هستند، با این تعبیر که نظم قرآن به دنبال یافتن ربط بین جملات یک سوره است و در تقسیم بندی خود به سطح کلان و خرد به دنبال واکاوی همین عنصر ارتباطی در بین چند آیه است. برای رسیدن به این منظور، می‌توان متن قرآن را در سه سطح معنایی، ساختاری و آوایی بررسی نمود. اما تناسب در آیات قرآن صرفاً ارتباط در سطح معنایی را تحلیل می‌کند؛ به عبارتی مبحث تناسب فقط یک شاخه از مسئله نظم را شامل می‌شود (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶ش:

ص ۴۳). پیوستگی نیز به معنای ارتباط متقابل آیات یک سوره در خط اصلی محور موضوعی است که بعد از کشف تناسب و نظم خودنمایی می‌کند.

اگرچه نزول آیات قرآن کریم در طول بیست‌وسه سال در شرایط مختلف از جمله جنگ، صلح، سفر، حضر و... و ناظر بر موضوعات گوناگون بوده است، ولی همه آنها در ارتباط با هم و از نظر معنا دارای انسجام واحدی هستند. اعتقاد به پیوند آیات با یکدیگر از نظر مفسران شیعه، اهمیت فراوان دارد و مفسر را به همسویی همه آیات و پیوستگی درونی آنها سوق می‌دهد. علامه طباطبائی، از مهمترین مفسران معاصر شیعه نیز به ارتباط کلی آیات با یکدیگر اهتمام داشته است و عدم پابندی به چنین مبنایی را سبب فروغلتیدن در تفسیر به رأی می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۳ق: ج ۳، ص ۸۰). البته اگر مفسری به تناسب آیات و ترتیب توقیفی آیات معتقد نباشد، نمی‌تواند از پیوستگی آیات در جریان تفسیر بهره بگیرد. علامه طباطبائی همچنین بر ارتباط معنایی آیات درون یک سوره تأکید دارد و از این رو، هر سوره را دارای غرض واحد می‌داند که از دیگر سوره‌ها متمایز شده است (همان: ج ۱، ص ۱۶). مرحوم طبرسی، همچنین علاوه بر ارتباط آیات درون سوره‌ها، پایان هر سوره را نیز با آغاز سوره مرتبط می‌داند و این بدان سبب است که چون قرآن مجموعه‌ای واحد است لذا تمامی آیات درون هر یک از سوره‌ها و نیز تمامی سوره‌ها با یکدیگر ارتباط و پیوستگی دارند (طبرسی: ج ۸، ص ۶۲۴). آیت‌الله خویی (خویی، ۱۴۰۱ق: ص ۹۳) بر این باور است که آیات قرآن ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند و موضوع واحدی آنها را به هم مرتبط ساخته است (در اینباره نک: مؤدب، ۱۳۸۸).

پیوستگی آیات در سوره‌های قرآن از دو جهت: فهم و ملاک صدق بودن قرآن حائز اهمیت است:

۱. فهم و تفسیر قرآن: وجود انسجام در آیات قرآن نقش اساسی در فرآیند فهم و تفسیر قرآن دارد به نحوی که می‌توان گفت در صورت نبود این انسجام این دو فرآیند با مشکل اساسی مواجه می‌شد. این وجود انسجام است که استفاده از قواعدی مانند سیاق با استفاده از روش‌هایی مانند روش تفسیر قرآن به قرآن یا استفاده از سبک‌هایی مانند تفسیر موضوعی را در فهم و تفسیر قرآن میسر می‌سازد.

۲. ملاک صدق و اعجاز قرآن: هر چند که مبحث ملاک صدق از مسائل معرفت‌شناسی و مبحث اعجاز قرآن از مسائل کلامی محسوب می‌گردد، ولی این دو مبحث ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ از یک طرف می‌توانیم انسجام قرآن را ملاکی بر صدق دعوی

پیامبر اسلام (ص) بدانیم و از طرف دیگر می‌توانیم قرآن را به خاطر انسجام ویژه آن، غیربشری و معجزه پیامبر اسلام (ص) بدانیم. در این صورت این دو دلیل می‌توانند به یکدیگر کمک شایان توجهی نمایند (شاکر، ۱۳۹۹).

پیوستگی در قرآن را از دو جنبه می‌توان مورد توجه قرار داد: شکلی و محتوایی. پیوستگی شکلی ناشی از ساختارمندی و وجود نظم و تناسب در نحوه چینش واژه‌ها در آیات، آیات در سوره‌ها و سوره‌ها در کل قرآن است و بیش‌تر ناظر به سبک‌شناسی قرآن است؛ ولی پیوستگی محتوایی به وجود ارتباط معنایی بین آن‌ها می‌پردازد و به معنی‌شناسی قرآن نظر دارد. البته این دو کاملاً با هم در ارتباط هستند؛ به این ترتیب که انسجام شکلی خود به انسجام محتوایی منجر می‌شود.

در بررسی پیوستگی آیات قرآن از روش‌ها و مدل‌های مختلفی استفاده شده است. یکی از مدل‌های ارائه شده مربوط به آقای نیل رابینسون است که سوره‌هایی از قرآن را با مدل خود مورد مطالعه قرار داده و نتیجه کار وی بر روی دو سوره مدنی (مائده/رابینسون، داستان باز - قرآنی دوباره از سوره مائده؛ ترجمه شاکر و عسکری) و مؤمنون (رابینسون، ساختار و تفسیر سوره مؤمنون؛ ترجمه حرّی) به فارسی نیز ترجمه شده است.

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی برای بررسی امکان به کارگیری مدل آقای رابینسون در بررسی پیوستگی آیات سوره‌های مکی قرآن که توسط نامبرده کار نشده، استفاده شده است و برای این کار سوره سبأ انتخاب شده است.

بر این اساس سؤال اصلی این مقاله عبارتست از اینکه؛ آیا پیوستگی ساختاری در سوره سبأ بر اساس مدل رابینسون، قابل بررسی و اثبات است؟ آیات سوره سبأ چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ و آیا اساساً در سوره سبأ پیوستگی وجود دارد؟ اگر وجود دارد چگونه است؟ و چرا این آیات در کنار هم قرار گرفته‌اند؟

این سؤالات که حاصل از هم‌گسیخته‌انگاری ظاهری آیات و بالطبع ناهمگونی برداشت‌ها می‌باشد، سبب شده است تا تحلیل تناسب آیات سوره سبأ مورد توجه در این مقاله قرار گیرد. در این رابطه به نظر می‌رسد بتوان از روش نیل رابینسون در تحلیل آیات قرآن کریم بهره برد. مقاله حاضر با محوریت اثبات تناسب آیات سوره سبأ شکل گرفته و روش مورد استفاده در این مقاله روش ارتباطی آینه‌ای نیل رابینسون است.

تا پیش از این، مقالاتی از نویسندگان همین مقاله و محمدکاظم شاکر و ابوالفضل حرّی چاپ شده که صرفاً به موضوع مدل رابینسون پرداخته‌اند. همچنین مقاله اسحق رحمانی و

عاطفه سلیمی که درباره سبک‌شناسی سوره سبأ نوشته شده است. اما در هیچ‌یک از پژوهش‌ها به بررسی تناسب آیات سوره سبأ به‌ویژه با استفاده از روش نیل رابینسون پرداخته نشده است. براین اساس، پژوهشی مستقل در کشف، تبیین و اثبات تناسب آیات این سوره امری ضروری است. از این‌رو پژوهش حاضر - که در روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای است و در نحوه استناد داده‌ها، از شیوه اسنادی پیروی می‌کند و در تجزیه و تحلیل مطالب، روش آن تحلیل محتوایی از نوع توصیفی تحلیلی است - به این مهم می‌پردازد.

۲. مبانی نظری

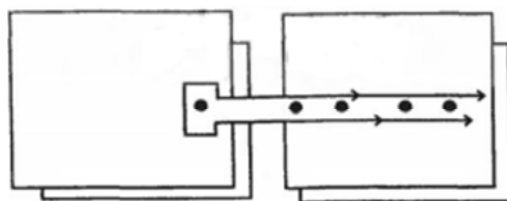
نیل رابینسون Neal Robinson (متولد ۱۹۴۸م) برای درک پیوستگی آیات قرآن و اثبات انسجام سوره‌های بلندی همچون سوره مائده، روشی جدید ارائه کرده است (شریفی، ۱۳۸۴: شماره ۲۰۷، ص ۳۵). او در این مسیر از شواهد لفظی و توجه به شیوه‌های نقد ادبی بهره جسته است تا ضمن ردّ ازهم‌گسستگی و پراکنده‌گویی سوره‌های قرآن کریم، مدلی فراگیر برای ارتباط بخشی آیات این نوع از سوره‌ها ارائه دهد. هرچند روش او بیشتر متناسب با سوره مدنی و بلند قرآن می‌باشد و در وضع فعلی چندان قابل انطباق با سوره مکی و کوتاه قرآن کریم از جمله سوره سبأ نیست، اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه مدل او برای برقراری ارتباط میان بخش‌های یک سوره، ارزشمند است، بتوان با افزودن معیارهایی برای تشخیص بخش‌های یک سوره و رفع نقایص از مدل او برای تحلیل تناسب آیات این نوع از سوره نیز استفاده کرد (محمدعلی‌نژاد؛ امامی، ۱۳۹۹: شماره ۱۱).

در تفاسیر سنتی، تناسب آیات قرآن اثر چندانی در تفسیر و فهم عبارات قرآن کریم نداشته، به نحوی که اکثر مفسران در بیان تناسب و پیوستگی آیات، کوشش چندانی نکرده‌اند و آیه به آیه و جزئی‌نگرانه عمل نموده‌اند. به بیان دیگر؛ آنان بیشتر ارتباط متوالی آیات هر سوره را به صورت خطی در نظر گرفته‌اند و به ارتباط سیاق‌های قرآنی توجهی نداشتند (خرم‌دل، ۱۳۸۴).

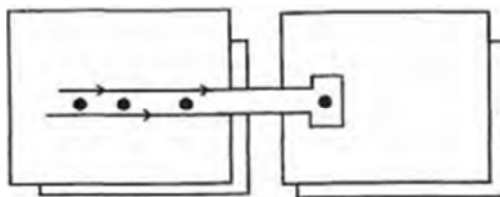
رابینسون، زمانی که با انتقادات پژوهشگران غربی درباره پراکندگی موضوعات سوره‌های بلند مدنی همچون سوره مائده روبرو می‌شود (رابینسون، شماره ۱، ص ۱۵۶) تا آنجا که می‌گویند این سوره حاوی مطالب متفرق بازمانده از طول دوره وحی است که هیچ ارتباطی با هم ندارند (فقهی‌زاده، ۱۳۹۳)، در صدد ارائه روشی برای اثبات پیوستگی و تناسب سوره

بلند قرآن کریم برمی آید. او در این مسیر، نخست؛ بر ساختار کلان سوره تمرکز می‌کند و معیارهایی را برای بخش‌بندی آن ارائه می‌کند و سپس روابط میان آنها را توصیف می‌کند. این معیارها شامل شواهدی لفظی است که بر پایه تکرار شدن الفاظ استوار است؛ مواردی نظیر شباهت الفاظ به‌کار رفته در آغاز و پایان یک بخش؛ عبارت‌های منحصر به فرد در آیات آغازین و تکرار همان عبارات در آیات انتهایی یک بخش؛ تکرار یک کلمه یا عبارت کلیدی در یک بخش در حالی که در بخش‌های قبلی و بعدی چنین کلمه‌ای وجود ندارد (Robinson, 2001: 3). مدل آینه‌ای نیل رابینسون از جمله روش‌های کشف نظم درونی قرآن به واسطه متن کاوی، است که تأکید بیشتر در این مدل بر تکرار الفاظ و خصوصاً واژه‌های قلاب‌دار (hooked keywords) استوار است.

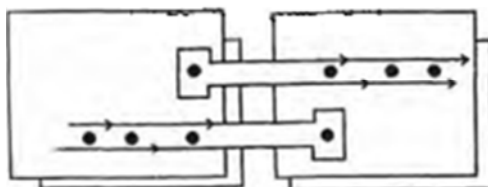
واژه‌های قلاب‌دار، به سه نوع تقسیم می‌شوند: در قسم نخست، اصطلاحی ویژه که در یک بخش به‌کار رفته است، در انتهای بخش پیشین معرفی می‌شود. در قسم دوم که برعکس قسم نخست است، اصطلاح ویژه یک بخش در آغاز بخش بعدی تکرار می‌شود. در قسم سوم، هر دو نوع از تکرار وجود دارد. در تصاویر زیر هر سه قسم از اقسام واژه‌های قلاب‌دار نشان داده شده است:



واژگان کلیدی قلاب‌دار: الگوی ۱



واژگان کلیدی قلاب‌دار: الگوی ۲



واژگان کلیدی قلابدار: الگوی ۳

از آنجا که تأکید این روش بر پیوستگی الفاظ است، پژوهش حاضر با استفاده از مدل مذکور و با روش اصالت دادن به ساختار کنونی و چینش درون سوره‌ای و تحلیل ذره نگر به آن‌ها مانند تفسیر ترتیبی از آیه اول به دوم، از آیه دوم به سوم و تا آخر... که روشی منطقی است و در بین علما نیز در برخورد با متن دارای اصالت است (نک: شریفی و همکاران، ۱۳۹۶ش: ص ۱۳۰)، تلاش دارد تا به بازسازی چینش اندام وار آیات سوره سبأ در کنار یکدیگر پردازد. در این صورت منظور از پیوستگی، وجود ارتباط متقابل بین آیات سوره سبأ است که هدف اصلی سوره را تشکیل می‌دهد. قائلین به تناسب معتقدند که هر یک از سوره‌های قرآن دارای وحدت موضوعی است، این رویکرد صرف بررسی یک موضوع در یک سوره است که در ساختار بنیاد کلان تحت مبحث انتظام بخشی از طریق تقارن‌های معنایی در یک سوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین تناسب در سطح ارتباط بین سیاق آیات و فواصل آن‌ها مطرح می‌شود. این تناسب، امری ذاتی است که هم تناسب لفظی را برقرار می‌کند و هم تناسب معنوی را و نهایتاً بلاغت و فصاحت را فزونی می‌بخشد (نک: شهریاری نسب و علیزاده منامن و دهقانی، ۱۳۹۸ش: ص ۳۳).

رابینسون برای اثبات نظر خود مبنی بر وجود پیوستگی در سوره مائده، سه اقدام را در مورد این سوره انجام می‌دهد. نخست: تقسیم سوره به یازده بخش. سپس: توصیف ارتباط بین بخش‌های متوالی. و در نهایت: برقراری نظم معکوس و آینه‌ای بین بخش‌های متقارن.

۱.۲ بخش‌بندی سوره

از نظر رابینسون با توجه به ویژگی‌های شنیداری _ گفتاری قرآن، از طریق نشانه‌های لفظی و زبانی می‌توان مرز بین هر بخش از آیات را مشخص نمود و شنونده با تغییر در نشانه لفظی به تغییر موضوع در قرآن پی می‌برد. به نظر او عمده‌ی نشانه‌های لفظی که بخش‌بندی

بر آن‌ها مبتنی است با عنصر تکرار سر و کار دارد. مواردی نظیر: ۱- شباهت الفاظ به‌کاررفته در آغاز و پایان یک بخش. ۲- عبارت‌های منحصر به فرد در آیات آغازین و تکرار همان عبارات در آیات انتهایی یک بخش. ۳- تکرار یک کلمه یا عبارت کلیدی در یک بخش درحالی‌که در بخش‌های قبلی و بعدی چنین کلمه‌ای وجود ندارد (Robinson, 2001: 3).

این تکرار معمولاً به یکی از شش صورت زیر است:

۱- شروع اولین و آخرین آیه یک بخش ممکن است شبیه هم باشند؛ مانند تکرار «قل یا اهل الکتاب» در ابتدای آیه ۸۹ و ۶۸ که آیات ابتدایی و انتهایی بخش هشتم (۵۹-۶۸) هستند.

۲- عبارتی که در آیه‌ی دوم یک بخش رخ می‌دهد، ممکن است در آیه‌ی یکی مانده به آخر همان بخش تکرار شود که در نتیجه یک مجموعه‌ی متقارن را پدید می‌آورند؛ مانند تکرار «الله غفور رحیم» در انتهای آیه ۳۴ و ۳۹ از بخش پنجم.

۳- ممکن است یک بخش با تکرار عبارت مشابه یا یکسان در دو آیه به آخر مانده یا یکی به آخر مانده یا سه آیه آخر به پایان برسد؛ مانند تکرار «و الله علی کل شیء قدیر» در پایان آیات ۱۷ و ۱۹ و «الله ملک السموات و الارض و ما بینهما» در پایان آیات ۱۷ و ۱۸ از بخش دوم.

۴- یک کلمه یا عبارت کلیدی ممکن است بارها و بارها در یک بخش تکرار شود، در حالی که در بخش‌های قبلی و بعدی وجود نداشته باشد؛ مانند ۱۳ بار تکرار مشتقات ریشه «حکم» در بخش ششم، تکرار مشتقات ریشه «ولی» در بخش هفتم (۵۱-۵۸) و تکرار مشتقات ریشه «نزل» در بخش هشتم.

۵- بخش ممکن است در اوج معادشناختی خاتمه یابد و در قالب عبارت‌های کلیشه‌ای که از سوره‌های قبل آشنا به نظر می‌رسد بیان گردد؛ مانند «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» در آیه ۹ بخش اول.

۶- ممکن است بخش در جمع‌بندی به یک عبارت اعتقادی کلیشه‌ای منتهی گردد؛ مانند «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در پایان آیه ۱۷ و مشابه آن در پایان آیه ۱۹ بخش دوم.

۲.۲ ارتباط بین بخش‌های متوالی

رایبسون، رابطه میان بخش‌های متوالی را با کمک واژه‌های کلیدی قلاب‌دار (= hooked keywords) تبیین می‌کند. واژه‌های قلاب‌دار، به سه نوع تقسیم می‌شوند: در قسم نخست، اصطلاحی ویژه که در یک بخش به کار رفته است، در انتهای بخش پیشین معرفی می‌شود. در قسم دوم که برعکس قسم نخست است، اصطلاح ویژه یک بخش در آغاز بخش بعدی تکرار می‌شود. در قسم سوم، هر دو نوع از تکرار وجود دارد.

هر بخش از بخش‌های یازده‌گانه سوره‌ی مائده معمولاً با بخش بعد و قبل از خود دارای پیوستگی است. این ارتباط به گونه‌های لفظی و معنوی نمایان می‌شود به گونه‌ای که خواننده یا شنونده‌ی قرآن در هنگام انتقال از یک بخش به بخش دیگر احساس نمی‌کند که آن دو بخش فاقد هرگونه ارتباط هستند. این ارتباط به گونه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. از مهم‌ترین روش‌های ارتباط بین دو بخش متوالی، استفاده از «واژگان کلیدی قلاب‌دار» است که اولین بار توسط گانری، محقق کتاب مقدس کشف شد. رایبسون نیز از کشف او استفاده نموده است. از نظر گانری «واژگان کلیدی قلاب‌دار» به سه نوع قابل تقسیم است:

۱. الگوی اول: واژه‌ای شاخص و کلیدی که در یک بخش تکرار شده، در انتهای بخش هم آمده است.

۲. الگوی دوم: واژه‌ای شاخص و کلیدی که در یک بخش تکرار شده، در ابتدای بخش بعد هم آمده است.

۳. الگوی سوم: ترکیبی از الگوی اول و دوم است.

روش‌های دیگر برقراری ارتباط بین دو بخش:

۱. شروع‌های یکسان دو بخش متوالی، که به آن‌ها مقدمه‌ها یا شروع‌های موازی یا مشابه گفته می‌شود.

۲. یکسان یا مشابه‌بودن پایان یک بخش با آغاز بخش بعدی.

۳. ارتباط موضوعی بین دو بخش متوالی که می‌تواند از نوع توازی، تشابه، تقابل و تضاد باشد.

۳.۲ برقراری نظم معکوس بین بخش‌های متقارن:

در سوره مائده ساختار تقارنی و عمدتاً از نوع صنعت قلب (نظم معکوس) از خرد تا کلان در ۴ سطح جمله، بخش، بخش‌های مجاور و کل سوره به کار رفته است.

در سطح جمله: در بخش ۸ دو جمله متقارن داریم. جمله اول در جایگاه محور اصلی بخش یعنی آیه ۶۴ قرار گرفته است. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ - غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا» که در این جمله یک تقارن چهارتایی وجود دارد. گرچه هیچ ارتباط ساخت و اژه‌ای (صرفی) بین «الْيَهُودُ» و «لُعِنُوا» نیست ولی تأثیر بلاغت صنعت قلب، زمینه را مهیا می‌سازد تا خواننده صحت نظر قرآن را در برقراری تلازم بین این دو مفهوم بپذیرد. الگوی تقارن در این جمله عبارتست از: ABCD...D'C'B'A'.

همچنین در آیه ۶۸ جمله متقارن دیگری داریم. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» در این جمله بخش میانی در صنعت قلب وارد نمی‌شود. علاوه بر تقارن سه‌تایی، در درون جزء اول و آخر ضمیر «ه» به زیبایی هجای هو در بخش ندایی «ایها» را منعکس می‌سازد. الگوی تقارن در این جمله عبارت است از: ABC...C'B'A'.

در سطح بخش: تقارن بین آیه اول و آخر یا بین آیه دوم و یکی مانده به آخر هر بخش؛ مانند آیه ۲ و ۸ بخش یکم.

در سطح بخش‌های هم‌جوار: تقارن بین دو آیه در دو بخش هم‌جوار؛ مانند عبارت «خزى فى الدنيا» در آیه ۳۳ بخش ۵ و عبارت «فى الدنيا خزى» در آیه ۴۱ بخش ۶. الگوی تقارن در این جمله عبارت است از: AB...B'A'. گاهی صنعت قلب بین یک زنجیره متشکل از چند بخش دیده می‌شود؛ مانند تقارن سه بند متوالی در آیه ۱۸ «يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» بخش ۲ و آیه ۴۰ «اللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ» بخش ۵ که در یک زنجیره (بخش‌های ۲ تا ۵) به طور معکوس تکرار شده است. الگوی تقارن در این جمله عبارت است از: ABC...C'B'A'.

در سطح سوره: بالاترین سطح تقارن کل یازده بخش را دربرمی‌گیرد که این تقارن بین بخش ۱ و ۱۰ و آیه ۱۰ و ۸۶ و بخش ۲ و ۹ کاملاً روشن و انکارناپذیر است و الگوی تقارن در این سطح (با در نظر گرفتن آیات مستقل ۱۰ و ۸۶) عبارت است از: ABC...C'B'A'. ولی شواهدی وجود دارد که تقارن بین تمامی بخش‌های سوره وجود دارد؛ الگوی تقارن در این سطح (بدون در نظر گرفتن آیات مستقل ۱۰ و ۸۶) عبارت است از:

'ABCDE.....E'D'C'B'A' یعنی بخش‌های ۱ تا ۱۰ در بدو با هم متقارن‌اند. علاوه بر آن بخش ۱۱ هم با ارتباط با بخش‌های ۲ و ۹ در این ساختار وارد است. برای آنکه کار به تفسیر به رأی نینجامد به شواهد لفظی و لغوی برای اثبات تقارن بسنده می‌شود. خلاصه‌ای از این تقارن در جدولی در انتهای این نوشتار آمده است.

رابینسون، با توجه به این موارد و پس از بخش‌بندی سوره مورد مطالعه‌اش چنین توضیح می‌دهد که محتوای نخستین بخش سوره، منطبق بر محتوای آخرین بخش همان سوره است و همین‌طور به ترتیب درباره بخش‌های دیگر چنین است که محتوای بخش دوم سوره، منطبق بر بخش یکی مانده به آخر همان سوره است و غیره... (Robinson, 2001: 1-19).

با توجه به اینکه رابینسون بیشتر بر روی سوره‌های مدنی بلند نظیر مائده و بقره تمرکز کرده است و مدل و معیارهای خود را در پاسخ به ایراداتی که نسبت به این سوره‌ها وارد شده بود مطرح نموده است، لذا به نظر می‌رسد انطباق دادن این مدل به شکل فعلی آن با سوره‌های کوتاه و مکی، دشوار و گاه ناممکن باشد (رامیار، ۱۳۶۹). زیرا علاوه بر اینکه اغلب آنها تنها شامل یک بخش هستند، در مواردی که از دو یا سه بخش تشکیل شده‌اند، یافتن معیارهای لفظی که رابینسون طرح کرده است در این دو یا سه بخش پیچیده است. لذا این مدل نیاز به تغییراتی دارد تا با سور مکی و کوتاه قرآن کریم سازگار شود. بر این اساس مدل رابینسون را به سوره مکی سبأ عرضه می‌داریم تا ضمن راستی آزمائی درخصوص سور مکی، به تبیین پیوستگی آیات این سوره پردازیم؛

۴.۲ معرفی مختصر سوره سبأ

سوره سبأ به ترتیب مصحفی، سی و چهارمین سوره است و به ترتیب نزول، پنجاه و هفتمین سوره است که بعد از سوره «لقمان» و قبل از سوره «زمر» نازل شده است. مکی هست و دارای «۵۴ آیه» و «۸۸۳ کلمه» و «۱۵۱۲ حرف» می‌باشد. این سوره پیرامون اصول سه‌گانه اعتقادات، یعنی توحید و نبوت و قیامت بحث می‌کند. بعد از بیان آن‌ها کیفر کسانی را که منکر آن‌هایند، و یا القای شبهه درباره‌ی آن‌ها می‌کنند، بیان نموده، آن‌گاه از راه‌های مختلف آن شبهه‌ها را دفع می‌کند، یک بار از راه حکمت و موعظه، بار دیگر از راه مجادله. و از بین این سه اصول بیش‌تر به مسأله قیامت اهتمام می‌ورزد، هم در اول کلام آن را ذکر

می‌کند، و تا آخر سوره چند بار دیگر هم متعرض آن می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۳: ج ۱۶، ص ۳۵۹).

۳. بحث و تحلیل

بنا بر آنچه گذشت و پس از تبیین مدل ارائه شده از سوی رایینسون؛ می‌توان پیوستگی سوره سبأ را براساس روش ارتباطی، ضمن انطباق و صحت‌سنجی این مدل بر روی سوره مورد نظر چنین تبیین کرد:

۱.۳ بخش‌بندی سوره سبأ بر اساس مدل و قواعد معرفی شده در مقاله داستان باز برای سوره مائده توسط آقای رایینسون

می‌توان سوره سبأ را بر اساس ویژگی‌های لفظی - که در متن قرآنی ارائه شده برجسته شده است - و بعضاً با بهره‌گیری از ویژگی‌های معنایی به پنج بخش به ترتیب زیر تقسیم نمود. این تقسیم‌بندی با تقسیم‌بندی بر اساس رکوعات قرآنی تا حدودی تطابق دارد. در یک تحقیق رکوعات قرآنی ۵۵۵ واحد شمرده شده است. در این دسته‌بندی سوره سبأ به شش رکوع شامل آیات ۱-۹ و ۱۰-۲۱ و ۲۲-۳۰ و [۳۱-۳۶ و ۳۷-۴۵ و ۴۶-۵۴] تقسیم می‌شود (لسانی؛ مرادی، ۱۳۸۵: ص ۶۲).

همانطور که دیده می‌شود سه رکوع اول با سه بخشی که با مدل رایینسون به دست می‌آید منطبق است. اما بقیه سوره به سه رکوع تقسیم شده، در حالی که با مدل رایینسون بقیه آیات به دو بخش ۳۱-۴۲ و ۴۳-۵۴ تقسیم می‌شوند. با مراجعه به معنای آیات، انفصال معنایی بین آیات ۳۶ و ۳۷ دیده نمی‌شود.

۱.۱.۳ بخش اول: آیات ۱-۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ
الْخَبِيرُ (۱) يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ
الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲) وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ

عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۳)
 لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۴) وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي
 آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزِ آيِمٍ (۵) وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِينَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ
 مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۶) وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى
 رَجُلٍ يُبَيِّنُ لَكُمْ إِذَا مَرَّكُمْ كُلُّ مُمْرَقٍ لَكُمْ لَقِيَ خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷) أَفَتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ
 الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸) أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
 مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنْ نَشَاءُ نَحْضِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نَسُفُّهُمُ عَلَيْهِمْ كَيْفَ مِنَ السَّمَاءِ إِنْ فِي ذَلِكَ
 لَآيَةٌ لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۹).

۱- در ابتدای آیه سوم (آیه ۳) و آیه دو تا مانده به آخر (آیه ۷) در این بخش عبارت «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا» تکرار شده و تقارن درونی در چینش آیات ایجاد نموده است که این ویژگی بر اساس قاعده ۲ بخش بندی رابینسون است.

۲- هر یک از واژگان «السما» و «الارض» به صورت جمع یا مفرد، ۵ بار تکرار شده است که این ویژگی بر اساس قاعده ۴ بخش بندی رابینسون است.

۲.۱.۳ بخش دوم: آیات ۱۰-۲۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (۱۰) أَنْ اِعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَ
 قَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱) وَاسْلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ
 رَوَّاحَهَا شَهْرٌ وَاسْلَنَا لَهُ عَيْنَ الْقَطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ
 أَمْرِنَا نُدْخِلْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲) يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلَ وَ جَفَانَ كَالْجَوَابِ وَ
 قُدُورِ رَأْسِيَّاتٍ اِعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنَ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (۱۳) فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا
 دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا
 لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۱۴) لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ
 رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ (۱۵) فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ
 بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَ اَثَلٍ وَ شَيْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶) ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا

كَفَرُوا وَ هَلْ نَجَا زِي إِلَّا الْكُفُورَ (۱۷) وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸) فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَ مَرَقْنَا لَهُمْ كُلَّ مَرْزِقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱۹) وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰) وَ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَ رَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱).

۱- اتمام بخش با عبارت اعتقادی «و رَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» است که شبیه این عبارت در آیه ۵۷ سوره هود (سوره شماره ۱۱ مصحفی و شماره ۵۲ ترتیب نزولی) تکرار شده است و این ویژگی بر اساس قاعده ۶ بخش‌بندی رابینسون است. البته بر اساس قاعده مذکور، عبارت «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» در آیه ۳۱ سوره لقمان (سوره ۳۱ مصحفی و شماره ۵۷ ترتیب نزولی) نیز به کار رفته است. چنانچه ملاک را ترتیب نزولی بگیریم، این آیه نیز می‌تواند آشنا تلقی شود و این ظرفیت را دارد که انتهای این بخش را آیه ۱۹ معرفی نماید؛ لذا دو انتخاب برای اتمام بخش داریم و قاعده ۶ بخش‌بندی رابینسون، به تنهایی نمی‌تواند ملاکی برای تعیین انتهای بخش باشد.

۲- در اینجا برای انتخاب بین دو گزینه ناچاریم از گزینه‌های دیگر استفاده نماییم. مهم‌ترین گزینه، استفاده از وجود رابطه معنایی بین آیات این بخش است. این رابطه به ویژه در این بخش، به خوبی می‌تواند انتهای بخش را آیه ۲۱ معرفی نماید؛ زیرا این بخش با شرح حال داوود نبی (ع) شروع و با واسطه شرح حال سلیمان نبی (ع) که فرزند اوست، بحث به داستان قوم سبأ که هم‌عصر با سلیمان (ع) بوده‌اند منتقل می‌شود.

۳.۱.۳ بخش سوم: آیات ۲۲-۳۰

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَهُمْ فِيهَا مِن شِرْكٍَ وَ مَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ (۲۲) وَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳) قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴) قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا نَعْمَلُونَ (۲۵) قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (۲۶) قُلْ

أرُونِي الَّذِينَ أَحَقَّتْ بِهِ شُرَكَاءُ كُلِّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷) وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸) وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۹) قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۰).

۱- وجود ۶ «قل» در ابتدای آیات ۲۲ و ۲۴-۲۷ و ۳۰ این بخش که ۴ آیه از آن‌ها پشت سر هم آمده‌اند و یک «يَقُولُونَ» در ابتدای آیه ۲۸. این ویژگی بر اساس قاعده ۴ بخش‌بندی رابینسون است.

۲- شروع آیه اول (آیه ۲۲) و آخر (آیه ۳۰) با واژه «قل» که این ویژگی بر اساس قاعده ۱ بخش‌بندی رابینسون است.

۴.۱.۳ بخش چهارم: آیات ۳۱-۴۵

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْجَعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۱) قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ (۳۲) وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَعْمَالَ فِي أَغْشَاكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۳) وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴) وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۵) قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶) وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآتِيَتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ (۳۷) وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۸) قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۳۹) وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْوَأُ لَكُمْ أَنْ تُعْبُدُونَ (۴۰) قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَرَبُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱) فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَ تَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۴۲) وَ

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا
مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳) وَمَا
آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ (۴۴) وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا
بَلَّغُوا مَعَشَرَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵).

۱- تکرار ۱۰ مرتبه واژه «قل» و مشتقات در این بخش. این ویژگی بر اساس قاعده ۴ بخش‌بندی رایبسون است.

۲- اتمام بخش با تکرار عبادت اعتقادی «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ» در آیات ۳۶ و ۳۹ این بخش که این ویژگی بر اساس قاعده ۶ بخش‌بندی رایبسون است.

۳- اتمام بخش در اوج معادشناختی با عبارت «فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ» که اگر ملاک ترتیب نزولی در نظر گرفته شود، قبلاً در آیه ۲۶ سوره فاطر (سوره ۳۵ مصحفی و ۴۳ ترتیب نزولی) آمده است و این عبارت برای شنوند آشناست. این ویژگی بر اساس قاعده ۵ بخش‌بندی رایبسون است.

۵.۱.۳ بخش پنجم: آیات ۴۶-۵۴

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّيَ وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۴۶) قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷) قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰمُ الْغُيُوبِ (۴۸) قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِي الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۴۹) قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (۵۰) وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱) وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَٰوُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲) وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳) وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ (۵۴).

۱- تکرار ۵ مرتبه «قل» در ابتدای آیات پشت سر هم (۴۶-۵۰) در این بخش. این ویژگی بر اساس قاعده ۴ بخش‌بندی رایبسون است.

۲- تکرار واژگان «مکان»، «بعید»، «قریب» به ترتیب سه، دو و دو بار در آیات انتهایی این بخش. این ویژگی بر اساس قاعده ۳ بخش‌بندی رابینسون است.

۲.۳ ارتباط بین بخش‌های متوالی

هر یک از بخش‌های پنج‌گانه سوره سبأ با بخش بعد و قبل از خود دارای پیوستگی است که این ارتباط به گونه‌های لفظی و معنوی نمایان می‌شود.

ارتباط بخش ۱ و ۲

عبارت «مَرْقَنَاهُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ» در دو آیه مانده به آخر بخش ۱ (آیه ۷) و بخش ۲ (آیه ۱۹) تکرار شده است. این رابطه بر اساس واژگان کلیدی قلابدار نمی‌باشد. آقای رابینسون غیر از این روش، روش‌های دیگر برای برقراری ارتباط بین دو بخش معرفی می‌نماید که یکی از آن‌ها شروع یکسان دو بخش متوالی است که به آن‌ها مقدمه یا شروع موازی یا مشابه گفته می‌شود.

مشابه با این قانون می‌توان گفت پایان‌های یکسان دو بخش متوالی نیز که آن‌ها را موخره‌های مشابه می‌توان نامید نیز می‌تواند یک قانون برای ارتباط دو بخش متوالی تلقی کرد. البته این عبارت مذکور دقیقاً در پایان بخش نیامده ولی چون به طور منظم در دو آیه مانده به آخر دو بخش آمده می‌تواند یک ملاک تلقی گردد.

برای برقراری رابطه معنایی بین دو بخش نیز می‌توان گفت که بر اساس آیه ۱۹، قوم سبأ با درخواست نابجای خود از خدا برای فاصله انداختن بین محل‌های سکونتشان به خود ظلم کردند و بنابراین آیه ۲۵۴ سوره بقره «وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» خود را در زمره کافران قرار دادند. در بخش اول نیز خدا شعار کافران و منکران قیامت را عبارت «مَرْقَنَاهُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ» معرفی می‌نماید و به نظر می‌رسد می‌خواهد بفرماید که آنچه کافران به زبان می‌آورند، همان را در دنیا بر سرشان می‌آوریم.

ارتباط بخش ۲ و ۳

واژه‌های شاخص و کلیدی «قل» که در بخش ۳ تکرار شده، در انتهای بخش ۲ هم به صورت «قالوا» آمده است. این رابطه بر اساس الگوی شماره ۱ در استفاده از واژگان کلیدی قلابدار می‌باشد که به خوبی ارتباط لفظی بین دو بخش را به نمایش می‌گذارد.

ارتباط بخش ۳ و ۴

در این جا نیز واژه شاخص و کلیدی «قل» که در بخش ۴ به صورت‌های مختلف تکرار شده، در انتهای بخش ۳ هم به صورت «قل» آمده، هم‌چنین واژه «قل» که در بخش ۳ به همین صورت‌های تکرار شده، در ابتدای بخش ۴ هم به صورت «قال» آمده است. این رابطه بر اساس الگوی شماره ۳ در استفاده از واژگان کلیدی قلابدار می‌باشد که به خوبی ارتباط لفظی بین دو بخش را به نمایش می‌گذارد.

ارتباط بخش ۴ و ۵

واژه شاخص و کلیدی «قل» که در بخش ۵ تکرار شده، در انتهای بخش ۴ هم به صورت «قالوا» آمده است. این رابطه بر اساس الگوی شماره ۱ در استفاده از واژگان کلیدی قلابدار می‌باشد که به خوبی ارتباط لفظی بین دو بخش را به نمایش می‌گذارد.

جمع‌بندی ارتباط بین بخش‌های متوالی

بر اساس مطالب بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت که بخش‌های پنج‌گانه متوالی در سوره سبأ دو به دو با هم در ارتباط قرار دارند. این ارتباط بر اساس ترکیبی از ارتباط لفظی و معنایی صورت می‌گیرد.

۳.۳ نظم معکوس بین بخش‌های متقارن

چنانچه بر اساس مدل رایبسون بخواهیم رابطه نظم معکوس را بین ۵ بخش سوره سبأ بیابیم، این رابطه همان‌طور که در جدول صفحه‌ی بعد آمده است، تنها بین بخش‌های اول و آخر قابل مشاهده خواهد بود. اما چنانچه هر بخش را از لحاظ موضوعی و محتوایی به چند زیربخش تقسیم کنیم رابطه نظم معکوس، خود را نمایان خواهد ساخت. اگر بخش‌های پنج‌گانه را با حروف A, B, C, B', A' در نظر بگیریم، الگوی نظم معکوس به صورت رشته آینه‌ای زیر در خواهد آمد:

A2, B1, B2, B3, C1, C'1, B'3, B'2, B'1, A'2

همان‌طور که دیده می‌شود زیر بخش‌های A1 و A'1 در رشته بالا حضور ندارند. A1 یا دو آیه اول سوره به همراه آیه بسمله را می‌توان تابلوی آغازین سوره دانست که در آن به ستایش خداوند و معرفی صفات خداوند پرداخته شده است. A'1 یا چهار آیه پایانی سوره را نیز می‌توان تابلوی اختتامی سوره به حساب آورد که سرنوشت مکذبین و تشابه وضعیت سخت آن‌ها هنگام مشاهده عذاب با امثال آن‌ها در زمان‌های قبل و عدم امکان برگشت آن‌ها به دنیا بیان شده است.

ارتباط زیر بخش A2 و A'2

ارتباطی را بین دو بخش A و A' یعنی بخش اول و آخر سوره بدان اشاره شد، در واقع به خاطر رابطه نظم معکوس بین دو زیر بخش A2 و A'2 است. در زیر بخش A2 که حاوی آیات ۳ تا ۹ می باشد، انکار قیامت توسط کفار، قالب سعی کنندگان در آیات خدا (تلاش کنندگان برای محو آیات الهی) با اوتوا العلم (کسانی که علم کتاب به آنها داده شده است)، نسبت دادن جنون و افتراء و ضلالت به پیامبر (ص) توسط کفار و بر اساس هدایت و حق بودن دعوی او مطرح شده است. در زیر بخش A'2 که حاوی آیات ۴۶ تا ۵۰ می باشد، موعظه پیامبر به قیام لله و تفکر، رفع اتهام جنون و ضلالت از پیامبر (ص)، انذار مجدد، علت درخواست اجر رسالت، بر اساس هدایت و حق بودن دعوی او از بین رفتن باطل مطرح شده است. انکار و نسبت دادن جنون و ضلالت به پیامبر (ص) توسط کفار و بر اساس هدایت و حق بودن دعوی او مضمون مشترک دو زیر بخش است.

ارتباط زیر بخش B1 و B'1

در قسمت B1 که حاوی آیات ۱۰ تا ۱۴ می باشد، فضل خدا به داود (ع) و توان جسمی او، دادن معجزات الهی و نعمات الهی به سلیمان (ع) و کار اجنه برای او و لزوم شکرگزاری آل داود (ع) مطرح شده است. در قسمت B'1 نیز که حاوی آیات ۴۰ تا ۴۲ می باشد، بازخواست ملائکه به خاطر شرک مشرکان و پاسخ ملائکه به خدا در عبادت جن توسط مشرکین و عذاب مکذبین در روز قیامت مطرح شده است. لذا مضمون مشترک دو زیر بخش عبارتست از پرداختن به نقش گروهی از اجنه که دارای توان انجام کار بودند و این که گروهی از اجنه مورد پرستش انسان قرار می گیرند. در این دو زیر بخش تقابل بین جن و فرشته که دو نیروی مهم و اثرگذار در سرنوشت انسان هستند نیز به عنوان مضمونی متفاوت دیده می شود.

ارتباط زیر بخش B2 و B'2

در قسمت B2 که حاوی آیات ۱۵ تا ۱۷ می باشد، داستان محل سکونت قوم سبأ در میان دو باغ بزرگ و اعراض آنها از نعمات الهی و عدم شکرگذاری و زوال این نعمات مطرح شده است. در قسمت B'2 نیز که حاوی آیات ۳۴ تا ۳۹ می باشد، انکار رسل توسط مترفان و دلخوشی آنها به اموال و اولادشان به جای ایمان و عمل صالح و عذاب سعی کنندگان در آیات الهی مطرح شده است. همان طور که دیده می شود اعراض و قدرشناسی کسانی که به آنها نعمات الهی داده شده و در نتیجه زوال این نعمات مضمون

مشترک دو زیر بخش است. در زیربخش B2، نعمات الهی به صورت دو باغ بزرگ در اطراف محل سکونت قوم سبأ و در زیر بخش B'2، نعمات الهی به صورت اموال و اولاد آمده است.

ارتباط زیر بخش B3 و B'3

در قسمت B3 که حاوی آیات ۱۸ تا ۲۱ می باشد، داستان نزدیکی روستاها و راحتی و امنیت سفر قوم سبأ و زوال این نعمت به خاطر تبعیت از شیطان و درخواست ناروا از خدا مطرح شده است. در قسمت B'3 نیز که حاوی آیات ۳۱ تا ۳۳ می باشد، انکار آیات بینات، نسبت افتراء و سحر به پیامبر (ص) و تکذیب رسل و کتب الهی توسط کفار، مجادله و تبعیت مستضعفین از مستکبرین کفار و وعده عذاب به هر دو، مطرح شده است. همان طور که دیده می شود تبعیت گروه تابعی از کفار از گروه بالادست که شیاطین هستند و در نتیجه زوال نعمات و وعده و عذاب مضمون مشترک دو زیربخش است. در زیربخش B3، تبعیت انسان از ابلیس یا شیطان جن و در زیربخش B'3، تبعیت انسان از مستکبران یا شیاطین انس آمده است.

ارتباط زیر بخش C1 و C'1

در قسمت C1 که حاوی آیات ۲۲ تا ۲۷ می باشد، شرک مخالفان پیامبر (ص) در گرداندن عالم، شفاعت و دادن رزق و سپس به جمع کردن و قضاوت خدا در مورد این دو گروه در قیامت مطرح شده است. در قسمت C'1 نیز که حاوی آیات ۲۸ تا ۳۰ می باشد، فراگیری نبوت پیامبر (ص) و پرسش کفار از زمان قیامت و وعده خدا به تغییر ناپذیری آن، مطرح شده است. مضمون مشترک دو زیربخش، تقابل گروه مخالفین با پیامبر (ص) و این که در این نزاع حق یا پیامبر (ص) می باشد، است. در زیر بخش C1، تقابل پیامبر (ص) با منکران توحید و در زیر بخش C'1، تقابل پیامبر (ص) با منکران معاد آمده است.

جمع بندی نظم معکوس

به عنوان یک جمع بندی از بررسی رابطه نظم معکوس بین زیربخش های سوره، می توان به نکته مهمی دست یافت که در هر رابطه تقارن دو نوع رابطه دیده می شود. یک نوع رابطه تشابه مضمونی است و یک نوع رابطه تفاوت مضمونی است؛ یعنی در هر رابطه هم زمان تشابه و تفاوت دیده می شود و رابطه آن طور در ابتدا انتظار می رود، تشابه یا تفاوت به تنهایی نیست. این مطلب نظمی را فراتر از تقارن ساده مشخص می نماید که می توان آن را ساختار تقارن یا نظم معکوس مرکب نامید.

ارتباط زیر بخش A1 و B'2

علاوه بر رابطه نظم معکوس بین زیربخش‌های سوره سبأ که در بالا بیان شد، یک رابطه معنایی دیگر خاطر ج از نظم مذکور نیز دیده می‌شود. رابطه بین زیر دو بخش A1 و B'2 است، به این صورت که در این دو زیر بخش، دو عبارت مشابه نزدیک به هم «وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ» (آیه ۵) و «وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ» (آیه ۳۸) آمده است.

۴.۳ طرح معما در نظم متقارن مرکب

همان‌طور که در قسمت جمع‌بندی نظم معکوس اشاره شد می‌توان به قرینه معنایی دست یافت که رابطه ولایت با معاد را مشخص می‌نماید. با دقت در مواردی که با عنوان رابطه نظم معکوس بیان شد، معلوم می‌گردد که در ضمن رابطه نظم معکوس، به تقارن مرکب یا وجود تشابه هم‌زمان با تفاوت در تمامی زیربخش‌های متقارن جز در زیربخش‌های A1 و A'1 اشاره شد. در این دو زیربخش به تشابه مضمونی اشاره شد که عبارت بود از نسبت دادن افتراء، جنون و ضلالت به پیامبر (ص) توسط کفار. اما با توجه به تقارن مرکب بین هر دو زیربخش متقارن در این سوره می‌توان نتیجه گرفت که در این دو زیربخش نیز باید یک تفاوت معنایی در ضمن تشابه معنایی وجود داشته باشد.

در زیربخش A1، تمامی اجزای مضمون مشترک دو زیربخش، یعنی نسبت دادن افتراء، جنون و ضلالت، در آیه ۸ بیان شده است و متعلق انکار با لفظ «آخره» نص بر معاد دارد. ولی مضمون مشترک در زیر بخش A'1، در کل زیر بخش گسترده شده است به طوری که مفهوم افتراء در آیه ۴۳، مفهوم جنون در آیه ۴۶ و مفهوم ضلالت در آیه ۵۰ آمده است؛ لذا مفهوم متفاوت در متعلق انکار را باید در کل زیربخش جستجو کرد. اما عبارت «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ» در آیه ۴۳ نشان می‌دهد که این موضوع چیزی نیست که مانند قیامت در آینده قرار است واقع گردد، بلکه چیزی است که قبلاً واقع شده و مورد انکار قرار گرفته است. هم‌چنین آیات انتهایی سوره سبأ نشان می‌دهد این موضوع مهم و از اصول عقاید دینی است که انکار آن چنین وضعیتی را برای منکران رقم می‌زند.

هرچند با شرایط پیش گفته شده در ابتدا مضمون نبوت با خود قرآن متعلق انکار به ذهن متبادر می‌شود ولی شواهدی در این سوره به ویژه در همین زیربخش وجود دارد که نشان می‌دهد که متعلق انکار در این جا یکی از اوامر الهی تحت آیات قرآن است. با توجه به این که متعلق انکار در این زیربخش و کل سوره ظهور نیافته است، به نظر می‌رسد با

نوعی طرح معما از سوی قرآن در این سوره مواجه هستیم که به ویژه عبارت بلند آیه ۴۶ این سوره عهده‌دار طرح آن شده و کلیه‌ی مسلمانان در همه اعصار را به تفکر در آن اندرز داده است. البته خود قرآن با توجه به تبیان بودنش و تفاسیر روایی شیعه این معما را جواب داده‌اند که اثبات این مطلب نیاز به تحقیق مستقلی دارد.

۴. نتیجه گیری

حاصل پژوهش حاضر عبارت است از اینکه:

- بر اساس مدل و قواعد آقای رابینسون، که بر پایه تکرار شدن الفاظ استوار است و در آن ضمن تعیین بخش‌های سوره، به کمک واژه‌های قلاب‌دار ارتباط میان بخش‌های متوالی مشخص می‌شود و در نهایت طی مدلی آینه‌ای، تمام آیات سوره به هم مرتبط می‌شوند، ارتباط بخش‌های سوره سبأ به‌طور کامل برقرار است.
- می‌توان سوره سبأ را بر اساس ویژگی‌های لفظی و معنایی به پنج بخش تقسیم نمود.
- این تقسیم‌بندی با آنچه بر اساس رکوعات قرآنی صورت می‌پذیرد تا حدودی تطابق دارد. به گونه‌ای که سه رکوع اول با سه بخشی که از مدل رابینسون به دست می‌آید منطبق است. اما بقیه سوره به سه رکوع تقسیم شده، در حالی که با مدل رابینسون بقیه آیات به دو بخش تقسیم می‌شوند. و با مراجعه به معنای آیات، انفصال معنایی بین آیات دو بخش آخر دیده نمی‌شود لذا مدل رابینسون کارآمدتر است.
- هر یک از بخش‌های پنج‌گانه سوره سبأ با بخش بعد و قبل از خود دارای پیوستگی است که این ارتباط به گونه‌های لفظی و معنوی نمایان می‌شود. و بخش‌های پنج‌گانه متوالی در سوره سبأ دو به دو با هم در ارتباط هستند.
- چنانچه بر اساس مدل رابینسون بخواهیم رابطه نظم معکوس را بین ۵ بخش سوره سبأ بیابیم، این رابطه تنها بین بخش‌های اول و آخر قابل مشاهده خواهد بود. اما چنانچه هر بخش را از لحاظ موضوعی و محتوایی به چند زیربخش تقسیم کنیم، رابطه نظم معکوس یا همان مدل آینه‌ای، خود را نمایان خواهد ساخت.
- در هر رابطه تقارن نظم معکوس بین زیربخش‌های سوره، دو نوع رابطه دیده می‌شود. که یک نوع رابطه تشابه مضمونی و یک نوع رابطه تفاوت مضمونی است.

تبیین پیوستگی آیات سوره سبأ براساس روش نیل رابینسون ۱۱۳

- از رابطه نظم معکوس در سوره سبأ و با کمک قرینه معنایی می توان رابطه ولایت با معاد را مشخص نمود.

خلاصه مشخصات بخش ها و زیربخش های سوره سبأ و نظم معکوس (آینه ای) بین زیربخش ها

کد بخش	شماره آیات	مضمون کلی آیات	قانون	کد زیربخش	شماره آیات	مضمون آیات زیربخش
A	۹-۱	نسبت دادن جنون و افتراء و ضلالت به پیامبر اسلام(ص)	قاعده ۲	تابلو افتتاح	۲-۱	ستایش و معرفی صفات خداوند
			قاعده ۴	A	۹-۳	انکار قیامت توسط کفار، تقابل سعی کنندگان در آیات خدا با اوتوالعلم، نسبت جنون و افتراء و ضلالت به پیامبر (ص)
B	۲۱-۱۰	داستان حضرات داود و سلیمان(ع) و قوم سبذ	قاعده ۶	B1	۱۴-۱۰	فضل خدا به داود(ع) و توان جسمی او و دادن معجزات و نعمات الهی به سلیمان(ع) و کار اجنه برای او و لزوم شکرگزاری آل داود
			-	B2	۱۷-۱۵	داستان محل سکونت قوم سبأ در میان دو باغ بزرگ و اعراض آنها از نعمات الهی و عدم شکرگزاری و زوال این نعمات

داستان نزدیکی روستاها و راحتی و امنیت قوم سبأ و زوال این نعمت به خاطر تبعیت از شیطان و درخواست ناروا از خدا	۲۱-۱۸	B3	-			
شرک مخالفان پیامبر(ص) در گرداندن عالم، شفاعت و رزق و جمع کردن و قضاوت خدا در مورد این دو گروه در قیامت	۲۷-۲۲	C1	قاعده ۴	توحید و نبوت فراگیر پیامبر(ص) و وقوع و تغییر ناپذیری زمان قیامت	۳۰-۲۳	C
فراگیری نبوت پیامبر(ص) و پرسش کفار از زمان قیامت و وعده خدا به تغییر ناپذیری زمان قیامت	۳۰-۲۸	C'1	قاعده ۱			
انکار قرآن و دیگر کتب آسمانی قبل آن توسط کفار، مجادله و تبعیت مستضعفین از مستکبرین کفار و وعده عذاب به هر دو	۳۳-۳۱	B'3	قاعده ۴	مخالفت با پیامبر و قرآن و آیات الهی	۴۲-۳۱	B'
انکار رسل توسط مترفان و دلخوشی آنها به اموال و امولادشان به	۳۹-۳۴	B'2	قاعده ۶			

جای ایمان و عمل صالح و عذاب سعی کنندگان در آیات الهی						
بازخواست ملائکه به خاطر شرک مشرکان و پاسخ ملائکه به خدا در عبادت جن توسط مشرکین و عذاب مکذبین در روز قیامت و نسبت افتراء و سحر به پیامبر (ص) و تکذیب رسل و کتب الهی پیشین	۴۵-۴۰	B'1	قاعده ۵			
موعظه پیامبر به قیام لله و تفکر و رفع اتهام جنون و ضلالت از پیامبر(ص) و انذار مجدد و علت درخواست اجر رسالت و حق بودن دعوی او و از بین رفتن باطل	۵۰-۴۶	A'	قاعده ۴	نسبت دادن جنون و افتراء و ضلالت به پیامبر اسلام(ص)	۵۴-۴۳	A'
سرنوشت مکذبین و تشابه وضعیت سخت آنها هنگام مشاهده عذاب با امثال آنها در زمانهای قبل و	۵۴-۵۱	تابلو اختتام	قاعده ۳			

عدم برگشت به دنیا						
-------------------	--	--	--	--	--	--

کتابنامه

- قرآن کریم.
آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴ش). ترجمه قرآن. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش. چاپ چهارم.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن. قم: فاطمه الزهراء. چاپ دوم.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن. قم: اسوه. چاپ نخست.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق). نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. تحقیق: عبدالرزاق غالب مهدی. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون. چاپ سوم.
- توکلی محمدی، نرجس؛ پویازاده، اعظم (۱۳۹۶ش). واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تأکید بر رهیافت نیل رابینسون. مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، پیاپی ۴، صص ۲۵-۵۴.
- حرم‌دل، مصطفی (۱۳۸۴ش). تفسیر نور. تهران: احسان. چاپ چهارم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۱ق). البیان فی تفسیر القرآن. انوار الهدی.
- دهقانی، فرزاد؛ علیزاده منامن، عیسی؛ شهریاری نسب، سروش (۱۳۹۶ش). بررسی دیدگاه‌ها درباره نظم قرآن. سراج منیر، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۳۱-۵۶.
- رابینسون، نیل. مقاله دستان باز - قرائتی دوباره از سوره مائده. ترجمه محمد کاظم شاکر و انسیه عسکری، قیسات، شماره ۱، ۱۵۶-۱۹۰.
- مقاله ساختار و تفسیر سوره مؤمنون. ترجمه ابوالفضل حرّی، حسنی، شماره ۸، ۱۶-۴۶.
- رامیار، محمود (۱۳۶۹ش). تاریخ قرآن. تهران: امیر کبیر. چاپ سوم.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۳ق). تناسق الدرر فی تناسب السور. بیروت: دار الکتب العلمیه، در جلد ۱
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۹۹ش). رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی (ره). چاپ نخست
- شریفی، علی (۱۳۸۴ش). مقاله با قرآن پژوهان جهان؛ نیل رابینسون. گلستان قرآن. شماره ۲۰۷، صص ۳۵.
- شریفی، علی؛ شهریاری نسب، سروش؛ علیزاده منامن، عیسی؛ دهقانی، فرزاد (۱۳۹۶ش). تحلیل چگونگی نظم قرآن در سطح معنا- بنیاد خرد با رویکرد زبانشناسی. پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۸، شماره ۲۸، صص ۱۲۷-۱۵۲.

تبیین پیوستگی آیات سوره سبأ براساس روش نیل رابینسون ۱۱۷

شهریاری نسی، سروش؛ علیزاده منامن، عیسی؛ دهقانی، فرزاد(۱۳۹۸ش). زبانشناسی در خدمت نظم. تبریز: عاصم.

طباطبایی، محمدحسین(۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن(بی تا). مجمع البیان لعلوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه
فقهی زاده، عبدالهادی(۱۳۹۳ش). پژوهشی در نظم قرآن (مبانی تاریخی و مسائل علم تناسب تحلیل علل
پراکنده‌نمایی و عدم تفکیک موضوعی در قرآن). تهران: انتشارات سخن. چاپ نخست.
فولادوند، محمدمهدی(۱۴۱۸ق). ترجمه قرآن. به تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات
تاریخ و معارف اسلامی) تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. چاپ سوم.
لسانی فشارکی، محمد علی و مرادی زنجانی، حسین(۱۳۸۵ش). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم.
زنجان، قلم مهر.

مؤدب، سید رضا(۱۳۸۸ش). اهم مبانی تفسیر قرآن از منظر مفسران شیعه. فصلنامه علمی پژوهشی شیعه
شناسی، سال هفتم، شماره ۲۸.

..... (۱۳۸۶ش). مبانی تفسیر قرآن. قم: دانشگاه قم.

معرفت، محمد هادی؛ مولائی نیا همدانی، عزت الله(۱۳۷۳ش). تناسب آیات. قم: بنیاد معارف اسلامی.

..... (۱۴۱۲ق). التمهید فی علوم القرآن. قم: موسسه النشر الاسلامی.

محمدعلی نژاد عمران، روح الله؛ امامی دانالو، حسام(۱۳۹۹). تبیین پیوستگی آیات سوره علق بر اساس
روش نیل رابینسون. دوفصلنامه علم زبان علمی، دوره هفتم، شماره ۱۲.

Robinson N. (2001) Hands outstretched: Towards a re-reading of surat al-ma'ideh. Journal of
Quranic Studies 3:1, 1-19.